

بازخوانی عوامل ریزش های انقلاب اسلامی از منظر مقام

معظم رهبری (مدظله العالی)

علی مجتبی زاده*

چکیده

انقلاب اسلامی در کنار رویش های فراوان و نویدبخش خود، با ریزش هایی نیز در سطح جریان های سیاسی و شخصیت های تأثیرگذار سیاسی و غیرسیاسی و سطح عمومی مردم مواجه بوده است که این پدیده از منظرهای روان شناختی، جامعه شناختی، تاریخی و سیاسی، قابل مطالعه و بررسی و برای افزایش رویش ها و کاهش ریزش ها لازم است. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه ای به بازخوانی عوامل ریزش های انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری به عنوان دیده بان بصیر و هوشیار انقلاب اسلامی پرداخته شده است. از منظر ایشان ریزش های جبهه انقلاب اسلامی طیف متنوعی از عوامل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را دربرمی گیرد؛ از ضعف در باورمندی به ارزش ها و فقدان بصیرت و بینش لازم و ضعف تحلیل سیاسی گرفته تا معیار قرار دادن افراد به جای حق، دنیا طلبی و گرایش به دنیا، وابستگی های افراطی حزبی، عدم تشخیص زمانه و شناخت دشمن و عدم ترسیم خطوط مرزبندی با دشمن، نداشتن استقامت و خستگی از ادامه مسیر، جاه طلبی، حب و بغض ها و عقده ها و کم ظرفیتی و تحلیل نادرست.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ریزش ها، جریان های سیاسی، شخصیت ها، مقام معظم رهبری.

*. دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی؛ mojtabazadeh@chmail.ir

مقدمه

انقلاب اسلامی در طول حیات خود با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده و حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته است و در این مسیر در کنار رویش‌های امیدبخش و زیاد، با ریزش‌هایی نیز همراه بوده است که طیف متنوعی از افراد و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را دربرمی‌گیرد. برخی از این ریزش‌ها با توجه به ماهیت و مواضع بعضی از افراد و جریان‌های سیاسی، چندان دور از ذهن نبوده و کم و بیش قابل پیش‌بینی بوده، اما در این میان بخشی از زاویه‌گیری‌ها و ریزش‌ها، به‌نوعی غافلگیرکننده و پیش‌بینی نشده می‌نمایند.

گرچه بررسی رویش‌ها و ریزش‌های انقلاب اسلامی از منظرهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، تاریخی و سیاسی، در جای خود نیازمند تحلیلی جامع و مفصل است، اما بی‌تردید بازخوانی این ریزش‌ها و درنگی در زمینه‌ها و عوامل آن از منظر مقام معظم رهبری که راهبری نظام اسلام را در فراز و فرودهای فراوان پس از رحلت حضرت امام علیه السلام بر عهده داشته‌اند، می‌تواند در تحلیل مسائل و تحولات راهگشا باشد.

در یک نگاه کلی ریزش‌ها ممکن است در سه سطح رخ دهد؛ در سطح جریان‌های سیاسی و فرهنگی، در سطح چهره‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی و غیرسیاسی و در سطح عمومی و توده مردم. ریزش‌ها در سطح جریان‌های سیاسی و همچنین چهره‌های تأثیرگذار سیاسی، فرهنگی، علمی، دینی و اخلاقی، به دلیل دایره نفوذ و تأثیرگذاری آنها، بارزتر و معمولاً با هیاهو و سر و صدای بیشتری همراه بوده و بازتاب زیادی دارد. اما در سطح توده مردم، ریزش‌ها معمولاً بی‌صدا و آرام صورت می‌گیرد. از این‌رو از یک نظر ریزش‌ها در این زمینه، خطرناکتر محسوب می‌گردد گرچه بخشی از ریزش‌ها در سطح عمومی ناشی از تأثیرپذیری از چهره‌ها و شخصیت‌هاست.

نمونه‌هایی از ریزش‌ها در طول حیات انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی در فراز و فرودهای متعدد، شاهد ریزش‌های گوناگونی در سطوح مختلف بوده‌ایم. در سطح جریان‌های سیاسی می‌توان از جدایی نهضت آزادی، سازمان منافقین و چریک‌های فدایی خلق و ... در ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی نام برد که



فقدان باورمندی به مبانی و اصول انقلاب اسلامی و نگاه التقاطی این جریان‌ها موجب شد تا با انقلاب اسلامی و نیروهای انقلابی زاویه پیدا کرده و مسیر خود را از مسیر انقلاب اسلامی جدا نمایند. ماجرا به همین جریان‌ها ختم نشده و نفوذ فرهنگ غربی و حاکمیت تفکر سکولار و لیبرال در میان برخی جریان‌های سیاسی که به دنبال حاکمیت جریان اصلاحات فرصت عرض اندام یافت، با وجود آنکه فرصت حضور در قدرت و نقش آفرینی سیاسی پیدا کردند، اما به دلیل زاویه فکری و باور نداشتن مبانی انقلاب اسلامی در نهایت از مسیر انقلاب فاصله گرفته و دچار فروپاشی و ریزش شدند.

در همین دوران در سایه تساهل فرهنگی شاهد تاخت و تاز جریان روشنفکری غرب زده و سکولار بودیم و افرادی مثل سروش، کدیور، گنجی، بشیریه و... مجلات و روزنامه‌ها را به صحنه‌ای برای تخریب بنیان‌های فرهنگی انقلابی تبدیل نمودند و همین افرادی که در اثر نفوذ و دلبستگی به فرهنگ غربی، معتقد به نظام فکری انقلاب نبودند، راه خود را از انقلاب جدا نموده و امروز در قامت اتاق فکر اپوزیسیون به میدان آمده‌اند.

در سطح چهره‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی می‌توان به آیت‌الله حسینعلی منتظری [۱]، آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله احمد آذری قمی و... اشاره کرد که با وجود سابقه در مبارزات انقلابی و عهده‌دار بودن مسئولیت و منصب‌هایی پس از انقلاب اسلامی، به دلایلی از جمله ضعف بصیرت، سادگی، تأثیرپذیری از اطرافیان، حب ریاست و... از صف انقلاب جدا شدند.

در میان شخصیت‌ها و چهره‌های غیرسیاسی نیز می‌توان از آیت‌الله شریعتمداری [۲]، آیت‌الله سیدمحمد روحانی، آیت‌الله سیدمحمد شیرازی، آیت‌الله سیدصادق شیرازی، شیخ محمود امجد و... نام برد که از مسیر انقلاب اسلامی فاصله گرفته و به رویارویی با آن پرداختند.

بدیهی است بررسی عوامل این ریزش‌ها و واکاوی دلایل و زمینه‌های آن، تحلیل جداگانه‌ای را می‌طلبد که خارج از موضوع این نوشتار است. در عین حال نگاهی به عواملی که این ریزش‌ها را در میان طیف‌های مختلف در تاریخ انقلاب اسلامی تا کنون به همراه داشته است، از منظر مقام معظم رهبری به‌عنوان دیده‌بان بصیر و هوشیار انقلاب اسلامی، می‌تواند راهگشا و چراغ راهی برای آینده باشد.

عوامل زمینه‌ساز ریزش‌ها از منظر مقام معظم رهبری

از نگاه مقام معظم رهبری عوامل مختلفی در بروز ریزش‌ها در سطوح سه‌گانه (شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی و غیرسیاسی، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، توده مردم) تأثیرگذار است که مهمترین آنها را برمی‌شماریم:

۱. ضعف در تقوا و باورمندی به ارزش‌ها

از عوامل اساسی ریزش‌ها، نداشتن تقوا و باورمندی لازم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. از الزامات حرکت در مسیر صحیح، تقوا و مراقبت همیشگی است. همانگونه که تقوا به انسان قدرت شناخت و تمییز حق از باطل می‌دهد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید برای شما وسیله‌ای برای جدایی حق از باطل قرار می‌دهد.» (انفال، ۲۹) ضعف در تقوا موجب لغزش خواهد گردید و این اختصاص به مسائل دینی و فردی نداشته و مسائل سیاسی اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد.

مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر درون خودمان را مستحکم نکنیم، اگر پایه‌های تقوا را در دل و در جان خودمان و به تبع آنها در اعمال خودمان مستحکم نکنیم، هر عقیده‌ای که داشته باشیم، هر سیاستی را که قبول داشته باشیم، نخواهیم توانست آن را به درستی محقق کنیم. گاهی همین انحراف درونی، دید ما را نسبت به مسائل عوض می‌کند؛ ایمان و عقیده ما را تغییر می‌دهد. به هر حال، عدم پرهیز در عمل، به اعتقاد سرایت می‌کند، که این مضمون آیات متعددی از قرآن کریم است. در قرآن به کسانی که اهل دنیاطلبی و اهل لذت‌محوری و اهل تن دادن به شهوات و هواهای نفسانی - از هر نوع - هستند، هشدار داده شده که مراقب باشید؛ زیرا این حالت در دل، فکر، ذهن و در ایمان شما رخنه ایجاد خواهد کرد که باید به خدا پناه برد و از او کمک خواست.» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۵/۲۵).

«دلها را باید نگه داشت. بعضی از دل‌ها می‌لرزند، می‌لغزند، نمی‌توانند خودشان را بر آن لبه مرتفع نگه دارند و حرکت را ادامه دهند؛ لذا سقوط می‌کنند. قرآن از اینها تعبیر کرده است به: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (مائده، ۵۴). ارتداد، به طور

مطلق همه جا به معنای برگشتن از دین نیست؛ پشت کردن به دین نیست؛ معنایش این است که از آن راهی که در گذشته می‌رفت، برمی‌گردد. بله، یک عده‌ای در انقلاب ما هم بوده‌اند، در صدر اسلام هم بودند، راهی را که در کنار پیغمبر حرکت می‌کردند، ادامه ندادند؛ اما آیا راه متوقف ماند؟ آیا راه متوقف می‌ماند؟ آیا قافله در جای خود می‌ایستد؟ قافله حرکت می‌کند: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴)؛ رویش‌هایی به وجود خواهد آمد. یکی از این رویش‌ها، خود شما جوان‌ها هستید. شما که دوران جنگ را ندیدید، شما که امام را ندیدید، شما که در عرصه‌های جنگ نبودید؛ اما امروز سرتاسر کشور اسلامی و انقلابی ما از روحیه ایستادگی و ثبات و افتخار و احساس عزت، لبریز است.» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

۲. نداشتن بصیرت و بینش لازم، ضعف تحلیل سیاسی

نداشتن بصیرت و بینش لازم در برخی افراد و مجموعه‌های سیاسی و تشخیص ندادن معیارها و مرزهای حق و باطل موجب می‌شود که دچار لغزش و انحراف شده و از مسیر انقلاب اسلامی فاصله بگیرند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «در اجتماعاتی که شما برادران عزیز و جوانان مؤمن و انقلابی این دوران دارید، آنچه که بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد... کامل کردن آگاهی از شرایط، کامل کردن معرفت به زمان، فهم صحیح زمان و تحلیل صحیح حوادث. اگر این تحلیل صحیح نباشد، مشکلات به وجود خواهد آمد و حتی ایمان‌های محکم، هم به سبب نبودن آگاهی و روشن‌بینی و تحلیل درست از وقایع، ممکن است در جهت خلاف قرار گیرد. همان طور که در قضیه خوارج اتفاق افتاد، خوارج اکثرشان دارای ایمان‌های محکمی بودند، که از آگاهی و نورانیت و معرفت، بی‌بهره بود، لذا در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفتند.» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه و مسئولین دفاتر نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۱/۶/۲۶).

۳. معیار قرار دادن افراد به جای معیار قرار دادن حق

گاهی افراد ملاک و معیار ارزیابی‌ها قرار می‌گیرند و با لغزش و انحراف آنها، سایر افراد و گروه‌های سیاسی دچار لغزش می‌شوند.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْحَقَّ لَا يَعْرِفُ بِالرِّجَالِ، إِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ همانا حق به شخصیت‌ها شناخته نمی‌شود، خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۱۲۳۸) و نیز فرمودند: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يَعْرِفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِأَيَّةِ الْحَقِّ فَأَعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ همانا دین خدا با موقعیت اشخاص شناخته نمی‌شود بلکه با معیار و نشانه حق شناخته می‌گردد، پس حق را بشناس تا اهلش را بشناسی» (همان).

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره موجهی مثل بعضی از صحابه پیغمبر راه را عوض می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. امام علیه السلام - کسی که پدر همه این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند.» (بیانات در جمع بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲).

۴. دنیاطلبی و گرایش به دنیا

گرایش به دنیا و معیار قرار دادن آن و گرفتار روحیه اشرافی شدن، موجب می‌شود که معیار حبّ و بغض‌ها و جهت‌گیری‌ها و... مسائل دنیوی و ارزش‌های مادی قرار گرفته و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در نزد این افراد کمرنگ شده و به حاشیه برود و ضد ارزش‌ها جای ارزش‌ها را بگیرد. با رسوخ چنین روحیه‌ای، اهداف و اصول نظام برای این افراد و جریان‌های سیاسی فاقد ارزش لازم خواهد شد.

مقام معظم رهبری فرمودند: «بعضی از عناصر انقلابی از راه برگشتند؛ انقلاب ریزش داشته است، دل‌کسانی بسته به دنیا شد. صدر اسلام هم همین‌جور بود؛ در صدر اسلام هم یک عده انقلابیون اول کار، بعد شدند دنیادارانِ اواسط و اواخر عمر» (بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۹۷/۹/۲۱).

«خواص طرفدار حق، دو نوعند. یک نوع کسانی هستند که در مقابله با دنیا، زندگی،

مقام، شهوت، پول، لذت، راحت، نام و همه متاع‌های خوب قرار دارند... اگر در مقابل این متاع‌ها و بهره‌های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجذوب شدید که وقتی پای تکلیف سخت به میان آمد، نتوانستید دست بردارید، واویلاست! اگر ضمن بهره بردن از متاع‌های دنیوی، آن‌جا که پای امتحان سخت پیش می‌آید، می‌توانید از آن متاع‌ها به راحتی دست بردارید، آن وقت حساب است... اگر در جامعه‌ای، آن نوع خوب خواص طرفدار حق؛ یعنی کسانی که می‌توانند در صورت لزوم از متاع دنیوی دست بردارند، در اکثریت باشند، هیچ وقت جامعه اسلامی به سرنوشت جامعه دوران امام حسین علیه السلام مبتلا نخواهد شد و مطمئناً تا ابد بیمه است. اما اگر قضیه به عکس شد و نوع دیگر خواص طرفدار حق - دل سپردگان به متاع دنیا. آنان که حق شناسند، ولی در عین حال مقابل متاع دنیا، پایشان می‌لرزد - در اکثریت بودند، وامصیبتاست!» (بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمدرسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ۳/۲۰، ۱۳۷۵).

۵. وابستگی‌های حزبی و تشکیلاتی

وابستگی‌های حزبی و معیار قرار دادن آن بدون توجه به حق یا ناحق بودن آن از دیگر عوامل ریزش‌هاست.

مقام معظم رهبری فرمودند: «ارتداد فقط برگشتن از دین نیست، برگشتن از راه است... گرفتاری‌های فراوان مالی و اقتصادی و اخلاقی و قدرتی و تشکیلاتی گریبانشان را گرفته است.» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

۶. شناختن زمان و مقتضیات آن

آگاهی و شناخت نسبت به تحولات زمان و شرایط آن از معیارهای مهم شناخت حق و باطل و در امان ماندن از لغزش‌هاست. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ، کسی که به زمان خویش آگاه باشد مورد هجوم اشتباهات قرار نمی‌گیرد.» (مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۷۸، ص ۲۶۹).

مقام معظم رهبری فرمودند: «کسی که زمانه را می‌شناسد؛ یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را می‌داند و می‌فهمد جریان‌های گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه می‌شوند، دچار اشتباه

نی‌شود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمی‌کند و دچار اشتباه نمی‌شود.» (بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲).

۷. خستگی از ادامه مسیر و نداشتن استقامت

خستگی و کم آوردن در پیمودن مسیر و کم صبری و استقامت نداشتن، موجب وادادگی در برابر مشکلات و فشارها و صرف نظر کردن از پیمودن مسیر و جدا شدن از آن می‌گردد. مقام معظم رهبری فرمودند: «راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم. بعضی این ثبات قدم را دارند، بعضی در بین راه برمی‌گردند؛ البته اینها به ضرر خودشان عمل می‌کنند؛ «فَمَنْ نَكَبَ فَأَمَّا يَنْكُتْ عَلَى نَفْسِهِ» (فتح، ۱۰) آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ می‌کنند، اما یک ساعت به غروب، دو ساعت به غروب طاقتشان تمام می‌شود؛ افطار می‌کنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. باطل کردن روزه در هر زمانی از ساعات روز باشد، ابطال روزه است. در راه انقلاب اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت، انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع می‌شود. این بی‌وفائی به انقلاب است.» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

۸. غفلت از دشمن، مرز بندی نکردن با دشمنان و ضعف در دشمن شناسی

غفلت از دشمن، نداشتن مرزبندی مشخص با دشمنان و ضعف در دشمن شناسی از دیگر عوامل لغزش و زاویه پیدا کردن با نظام و جدا شدن از این مسیر است. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «هر آدم عاقلی تا دید دشمن برایش کف می‌زند، باید به فکر فرو برود و بگوید من چه غلطی کردم؛ من چکار کردم که دشمن برای من کف می‌زند؟! باید به خود بیاید. این مایه غصه است که بعضی از کف زدن دشمن خوششان می‌آید! اگر گلزن مهاجم ما در میدان فوتبال، اشتباهاً به دروازه خودش گل بزند، چه کسی در آن میدان کف خواهد زد؟ طرفداران تیم مقابل و مخالف. حالا شما وقتی که می‌بینی دشمن برایت کف می‌زند، باید بفهمی که به دروازه خودی گل زده‌ای! بین چرا زدی؟ بین چرا کردی؟ بین چه اشتباهی کرده‌ای؟ بین مشکلات کجاست؟ بگرد مشکل خودت را پیدا

کن و توبه کن... دل انسان غمگین می شود و می شکند به خاطر اینکه چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان علیه السلام را خوردند، دم از امام زمان علیه السلام زدند، دم از ائمه معصومین علیهم السلام زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و آمریکا و سیا و هر کسی که در هر گوشه دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف بزنند! این، انسان را غصه دار می کند. ولی به شما عرض کنم، بشارت های الهی این قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک می کند. بشارت های الهی خیلی زیاد است. نباید خیال کرد که اگر چهار نفر آدمی که سابقه انقلابی دارند، از کاروان انقلاب کنار رفتند، پس انقلاب غریب ماند. نه آقا، همه انقلاب ها، همه فکرها، همه جریان های گوناگون اجتماعی، هم ریزش دارند، هم رویش دارند؛ ریزش در کنار رویش.» (خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۹/۲۶).

۹. جاه طلبی، حب و بغض ها و عقده ها

گاهی قدرت طلبی، کینه ها و عقده ها نسبت به یک فرد یا یک مسئله موجب فاصله گرفتن برخی از مسیر انقلاب و در ادامه جدا شدن از آن می گردد.

مقام معظم رهبری فرمودند: «بعضی عناصری که هیچ سودی در سلطه آمریکا بر این کشور ندارند، از روی غفلت و اشتباه و ضعف ها و عقده ها، برای سلطه آمریکا بر این کشور تلاش می کنند! البته اشخاص مختلفند؛ بعضی ها عقده ای دارند؛ بعضی ها کینه ای دارند؛ بعضی ها گله ای از کسی دارند؛ برای خاطر دستمالی، قیصریه را آتش می زنند؛ به خاطر یک دشمنی و یک کینه شخصی و یک محرومیت از فلان مسؤولیت که مایل بوده به او بدهند و مثلاً نشده و به خاطر یک اشتباه در فهم، می بینید که حرفی می زنند، اقدامی می کنند، موضعی می گیرند و کاری می کنند که به ضرر تمام می شود و در خدمت دشمن قرار می گیرند!» (همان).

۱۰. کم ظرفیتی و تحلیل نادرست

بخشی از ریزش ها ناشی از کم ظرفیتی، هضم نکردن برخی مسائل و تفکیک نکردن ضعف های عملکردی و ناکارآمدی برخی مسئولان با مواضع نظام و تمرکز بر مشکلات و کاستی ها و نادیده گرفتن دستاوردها و پیشرفت هاست.

مقام معظم رهبری فرمودند: «بله، ریزش هایی وجود دارد؛ کسانی هستند که از راه برمی

گردند، کسانی هستند که احساس خستگی می‌کنند، کسانی هستند که به گذشته خودشان شک می‌کنند، کسانی هستند که به لبخند دشمنان و فریب دغلكاران از راه درمی‌روند» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

جمع بندی

در طول بیش از چهل سال از حیات انقلاب اسلامی در کنار رویش‌های فراوان آن، شاهد ریزش‌هایی نیز بوده‌ایم که در سطح جریان‌های سیاسی، چهره‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی و غیرسیاسی و توده مردم رخ داده است. مقام معظم رهبری این ریزش‌ها را ناشی از عوامل متعددی می‌داند که طیف متنوعی از عوامل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را دربرمی‌گیرد؛ ضعف باورمندی به ارزش‌ها، فقدان بصیرت و بینش لازم، ضعف تحلیل سیاسی، معیار قرار دادن افراد به جای حق، دنیاطلبی و گرایش به دنیا، وابستگی‌های افراطی حزبی، عدم شناخت زمانه، نداشتن استقامت و خستگی از ادامه مسیر، مرزبندی نکردن با دشمنان و عدم شناخت دشمن، جاه‌طلبی، حب و بغض‌ها و عقده‌ها و کم ظرفیتی و تحلیل نادرست از مهمترین عوامل ریزش‌های انقلاب اسلامی از منظر ایشان است. ناگفته نماند در مواجهه منطقی با ریزش‌های انقلاب، به همان میزان که نادیده گرفتن ریزش‌ها و چاره‌جویی و تلاش برای کاهش آسیب‌های ناشی از آن، نادرست است، نگاه افراطی به آن و القای یأس و ناامیدی در جامعه نابجاست. مهم آن است که از ریزش‌ها تجربه و درس آموخت و آن را چراغ راه آینده قرار داد. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «انقلاب زنده است، این اصول زنده است؛ هیچ مانعی ندارد که برگ و بار عوض بشود. خزان‌هایی در راه است؛ این یک حرکت طبیعی است برای موجودات زنده عالم. همیشه ریزش و رویش وجود دارد؛ مهم این است که در کنار ریزش، رویش هم وجود داشته باشد؛ و امروز این جور است. بحمدالله انقلاب علی‌رغم همه تبلیغات، همه تخریب‌ها، همه ضربه‌ها، همه تهاجم‌های از اطراف و اکناف - تهاجم سیاسی، فشار اقتصادی، تهاجم فرهنگی - پیشرفت کرده؛ این انقلاب زنده، بانشاط و مشغول پیشرفت است؛ منتها خیلی از افراد ظاهربین نمی‌فهمند و حقیقت را درک نمی‌کنند... واقعیت قضیه این است که این ملت با حرکت خود، با حضور خود، با نشاط خود، بر روی همه توطئه‌ها خط بطلان کشید، بعد از این هم همین جور



خواهد بود؛ منتها شرطش ادامه تقواست، که تقوا موجب رحمت الهی است. به خودمان مغرور نشویم. مغرور شدن ملت‌ها و مسؤولان ملت‌ها همیشه مایه سرنگون شدن و سقوط آنها شده است... ما باید تلاش کنیم؛ ما باید مجاهدت کنیم. هیچ ملتی بدون مجاهدت، بدون تلاش، بدون ابتکار، بدون نوآوری، بدون فتح مراحل گوناگون پیشرفت، به جایی نمی‌رسد؛ اما برکت از خداست، توفیق از خداست و تقوا زاد راه است.» (بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۴/۴/۷).

«بعد از چهل سال شما می‌بینید جوان مؤمن مسلمان که نه امام را دیده است، نه انقلاب را دیده است، نه دوران دفاع مقدس را دیده است، نه آن حماسه‌ها را از نزدیک دیده، اما امروز با روحیه انقلابی، مثل همان جوان اول انقلاب - مثل همت و خرازی و بزرگانی از این قبیل - می‌رود وسط میدان و با علاقه، با احساس مسئولیت، با شجاعت تمام در مقابل دشمن می‌ایستد. اینکه من می‌گویم جوان‌های مؤمن امروز، از لحاظ انگیزه از جوان اول انقلاب اگر جلوتر نباشند عقب‌تر نیستند؛ یعنی این. اینها رویش‌های انقلابند. این معجزه انقلاب است، این معجزه نظام جمهوری اسلامی است که می‌تواند همان روحیه‌های پرتلاش و قوی و فولادین را بازآفرینی کند به شکل همین شهدای امروز شما؛ اینها مایه افتخارند، اینها ستون‌های این انقلاب و این کشورند.» (بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم، ۱۳۹۷/۹/۲۱).

چهار دهه حیات انقلاب اسلامی با همه فراز و فرودها و رویش‌ها و ریزش‌ها، تجربه ارزشمندی را در اختیار همگان قرار داده که می‌تواند چراغ روشنی در ادامه مسیر حرکت نظام جمهوری اسلامی تا تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های خود باشد.

پی‌نوشت

[۱]. نمونه بارز این طیف را می‌توان آیت‌الله منتظری برشمرد. وی از شخصیت‌هایی بود که در مبارزات مردمی علیه رژیم ستمشاهی نقش فعالی داشت و شخصیت علمی و سابق مبارزاتی وی موجب گردید پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بالاترین مراکز تصمیم‌گیری کشور حضور یابد از جمله ریاست مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی و امام جمعه تهران و قم. با توجه به جایگاه وی و وضعیت جسمی امام و نگرانی از

ایجاد اختلاف بین نیروهای انقلاب بعد از امام و سوء استفاده دشمنان، در سال ۶۲ توسط مجلس خبرگان به عنوان قائم مقام رهبری برگزیده شد هر چند در قانون اساسی از مسئله قائم مقامی رهبری سخنی به میان نیامده بود.

جایگاه قائم مقامی و جانشینی رهبر موجب می شد که مسئولان کشور خود را موظف به رعایت دیدگاه‌ها و نظرات آیت‌الله منتظری دانسته و گزارش اقدامات و فعالیت‌های خود را برای وی می‌فرستادند. آیت‌الله منتظری نیز در مسائل کشور دخالت چشمگیری داشت و بسیاری از عزل و نصب‌های نمایندگان رهبری در نهادهای انقلابی و وزارتخانه‌ها با نظر ایشان صورت می‌گرفت. اما متأسفانه، آیت‌الله منتظری به جای انجام وظیفه قائم مقامی و توجه به رهنمودها و نصایح حضرت امام خمینی علیه السلام و نیز حمایت از آرمان‌های انقلاب و نهادهای کشور، به تدریج زاویه و فاصله خود را با امام و نظام بیشتر و بیشتر نمود.

عواملی چون عدم استقلال شخصیت سیاسی و اجتماعی، سادگی، عدم ثبات فکری، تأثیرپذیری از لیبرال‌ها و منافقین، نداشتن تحلیل جامع از اوضاع ایران و جهان را می‌توان درباره شخصیت منتظری و دلایل عزل او مورد توجه قرار داد. برخی مواضع و عملکردهای منتظری منجر به فاصله گرفتن او از امام و انقلاب شد که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود.

- تضعیف نهادهای انقلاب اسلامی؛

- تضعیف دادگاه‌های انقلابی و زیر سؤال بردن احکام صادره توسط مراجع قضایی به خصوص در رفتار با گروهک‌های محارب، معاند و برانداز؛

- انتقاد مستمر از نیروهای ارزشی و انقلابی و نزدیکی و همفکری و غالباً حمایت از لیبرال‌ها و ملی‌گرایان؛

- ساختار شکنی و حرمت شکنی در نادیده انگاشتن فصل الخطاب بودن رهنمودها و دیدگاه‌های رهبری و صف‌آرایی و رودرویی در برابر امام؛
- حمایت از باند مهدی‌هاشمی.

مهدی‌هاشمی در سال ۱۳۲۳ هـ ش در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. پس از



تحصیلات ابتدایی راهی حوزه علمیه اصفهان و سپس قم شد. وی در سال ۱۳۴۶ به اتهام تکثیر و پخش اعلامیه توسط ساواک دستگیر و پس از سپردن تعهد از زندان آزاد گردید. عملکرد و سخنان انحرافی مهدی‌هاشمی، همچنین مشخص شدن تعارض بسیاری از سخنان وی با مفاهیم اصیل دینی و اصول تشیع، علما و روحانیون منطقه را به مقابله با این جریان فکری واداشت؛ تا جایی که آیت‌الله شمس‌آبادی یکی از علما اصفهان به دلیل روشننگری و مقابله فکری با این جریان منحرف قربانی توطئه آنها شد و در سال ۱۳۵۵ توسط وی به شهادت رسید. پس از این جریان، نیروهای امنیتی رژیم وی را دستگیر کرده و تا سال ۱۳۵۷ را در زندان به سر برد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، مهدی‌هاشمی از زندان آزاد شد. و با وجود اینکه به‌عنوان یک مجرم و یا لاقط متهم به قتل شناخته می‌شد، با توجه به شرایط سال‌های اول پیروزی انقلاب در پناه حمایت‌های آیت‌الله منتظری توانست به احراز مسئولیت واحد نهضت‌های سپاه پاسداران ارتقا یابد. وی با سوء استفاده از این موقعیت و امکانات سپاه، دست به اقدامات خودسرانه زد که از جمله می‌توان به گردآوری مقادیر زیادی اسلحه، شبکه سرقت اسناد از ادارات، به انحراف کشاندن جوانان مسلمان، ایجاد اختلاف در میان پاسداران، انتشار شایعات از طریق شب‌نامه علیه مسئولان نظام و تلاش برای رودررو قرار دادن آن‌ها اشاره نمود. تا اینکه امام با درایت و دور اندیشی خود، دستور پیگیری این جریان را صادر نمودند که به دستگیری وی منجر شد. وی پس از دستگیری در مصاحبه‌ای تلویزیونی به قتل آیت‌الله شمس‌آبادی قبل از انقلاب، انجام ترورها و انجام قتل‌هایی بعد از انقلاب، تلاش برای ایجاد تنش بین نهادهای انقلابی، جمع‌آوری سلاح و مهمات، تلاش برای سوء استفاده از موقعیت آیت‌الله منتظری و اختلاف افکنی میان وی و امام اعتراف کرد. وی بعد از محاکمه سرانجام در مهرماه ۱۳۶۶ اعدام شد.

(برای آشنایی بیشتر ر.ک: بن بست مهدی‌هاشمی، ریشه‌های انحراف، سید احمد خمینی، رنجامه؛ خاطرات سیاسی محمدی ری‌شهری، خاطرات حجت الاسلام دری نجف آبادی، تدوین حیدر نظری؛ پرونده مهدی‌هاشمی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، شمارهٔ بازبایی، ۲۰۶۳۱. رسول جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، ۱۳۵۷-۱۳۲۰).

سرانجام این مواضع و انحرافات موجب شد تا حضرت امام علیه السلام پس از ناامید شدن از تذکرات، راهنمایی‌ها، پیام‌ها و هشدارها وارد عمل شود عدم صلاحیت ایشان برای تصدی رهبری نظام را اعلام نمودند. به دنبال این نامه آیت‌الله منتظری در نامه‌ای به امام استعفای خود را از قائم مقامی رهبری اعلام کرد.

حضرت امام علیه السلام در پاسخ به نامهٔ ایشان این گونه مرقوم فرمودند: «...از اینکه عدم آمادگی خود را برای پست قائم مقامی رهبری اعلام کرده‌اید پس از قبول، صمیمانه از شما تشکر می‌نمایم. همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید؛ و من به شما شدیداً علاقه‌مندم. برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد، به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید؛ و از رفت و آمد مخالفین نظام، که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می‌زنند، جداً جلوگیری کنید. من این تذکر را در قضیه «مهدی‌هاشمی» هم به شما دادم. من صلاح شما و انقلاب را در این می‌بینم که شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند. از پخش دروغ‌های رادیو بیگانه متأثر نباشید. مردم ما شما را خوب می‌شناسند، و حیل‌های دشمن را هم خوب درک کرده‌اند که با نسبت هر چیزی به مقامات ایران کینه خود را به اسلام نشان می‌دهند...جنابعالی ان‌شاءالله با درس و بحث خود حوزه و نظام را گرمی می‌بخشید.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ص ۳۳۴-۳۳۵)

متأسفانه آیت‌الله منتظری پس از ارتحال امام نیز همچون دوران حیات ایشان به نصایح امام عمل ننموده و برخلاف توصیه امام همچنان راهبرد مقابله با نظام و رهبری را در دستور کار خود قرار داد. ارتباط گسترده با اپوزیسیون، برقراری مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای مستمر با رسانه‌های بیگانه، تبدیل دفتر و حسینیه به عنوان کانونی برای رفت و آمد ضد انقلاب و اتخاذ مواضع ضد انقلاب و رهبری به طور مستمر از جمله رویکردهای منتظری در این دوران بود.

وی که خود به‌عنوان یکی از حامیان اصلی نظریه ولایت فقیه به شمار می‌رفت با

چرخشی کاملاً سیاسی در جرگه مخالفین ولایت فقیه قرار گرفت که بروز آن پس از رخداد دوم خرداد ۷۶ و موضع گیری و اهانت به نظام و رهبری بود و موجب اعتراضات مردمی علیه وی و حصر او توسط شورای عالی امنیت ملی گردید با این حال، این پایان کار نبوده و تقابل وی با نظام و رهبری تا پایان عمر وی ادامه یافت. وی سرانجام در سال ۱۳۸۸ درگذشت.

[۲]. از چهره های شاخص این دسته، می توان از آیت الله شریعتمداری نام برد. به طور مشخص پس از انقلاب اسلامی، برخی موضع گیری ها و عملکردهای وی بیانگر تفاوت دیدگاه ایشان با امام خمینی رحمته الله علیه و جریان انقلاب اسلامی را نشان می داد. به عنوان نمونه وی در جریان تصویب قانون اساسی، مخالفت خود را با نحوه تصویب آن اعلام داشت و مانعی در برابر شکل گیری قانون اساسی محسوب می شد، اما با قاطعیت امام، از موضع خود عقب نشینی کرد و مخالفت خود را با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی پس گرفت. موضوع دیگری که آیت الله شریعتمداری را در برابر حضرت امام رحمته الله علیه و جمهوری اسلامی قرارداد، غائله آذربایجان و حزب جمهوری خلق مسلمان آذربایجان بود. به دنبال اعلام موجودیت حزب جمهوری اسلامی، حزب جمهوری خلق مسلمان که حمایت آیت الله شریعتمداری را پشت خود داشت اعلام موجودیت کرد. این حزب تحت حمایت صریح آیت الله شریعتمداری به فعالیت های ضد انقلابی و جدایی طلبانه در آذربایجان ادامه می داد. در مهم ترین اقدام، صدا و سیمای آذربایجان به تصرف این حزب درآمد و سایر نهادهای دولتی را نیز تهدید و یا تصرف نمودند. ادامه کار این گروه ضد انقلابی و حمایت آیت الله شریعتمداری از آن حضرت امام را نگران ساخته بود. حجه الاسلام فلسفی در خاطرات خود می گوید: امام خمینی رحمته الله علیه روزی مرا خواست. خدمت ایشان رسیدم. تنها بودند. در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان گفتگو نمودند. از من خواستند نزد آیت الله شریعتمداری بروم و به صورت خصوصی از قول امام خمینی رحمته الله علیه به او بگویم که دست از حمایت این حزب ضد انقلاب بردارید. همان موقع حرکت کردم و پیام امام را به او رساندم. شریعتمداری در جواب می گوید من همه جا علناً از این حزب حمایت کردم و اگر بگویم به این حزب وابستگی ندارم، اعتبار و حیثیت من از بین می

رود. حجت الاسلام و المسلمین فلسفی از جانب امام قول می‌دهد که حیثیت شریعتمداری حفظ و جبران شود. حتی قرار شد مجلسی در مسجد اعظم قم برگزار شود و رادیو و تلویزیون هم پوشش خبری بدهند. در این مجلس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، گلپایگانی و امام حضور به هم برسانند و آقای فلسفی منبر برود و از خدمات و فداکاری‌های آیت‌الله شریعتمداری در راه انقلاب تجلیل گردد و به این ترتیب اعتبار شریعتمداری در جریان کناره‌گیری از حزب خلق مسلمان صدمه نبیند. با این حال، آیت‌الله شریعتمداری حاضر نمی‌شود دست از حمایت خود از حزب ضد انقلابی جمهوری خلق مسلمان بردارد. (خاطرات و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین فلسفی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۲، صص ۳۹۹ - ۳۹۶) ایشان در ماجرای کودتای نوژن و هم‌گذاری جماران نقش مستقیمی نداشته است، ولی ظاهراً در این زمینه اطلاع داشته‌اند. مرحوم حجه الاسلام و المسلمین محمدی ری‌شهری، وزیر اطلاعات اسبق در این رابطه می‌نویسد: کودتای نوژن به لطف خدا شکست خورد و خائنان به سزای عمل خود رسیدند. اما شریعتمداری به علت اینکه به صورت مستقیم در کودتا دست نداشت، تحت تعقیب قرار نگرفت. کودتاگران در بازجویی‌ها و مصاحبه تلویزیونی خود به ارتباط کودتا با بیت آیت‌الله شریعتمداری اعتراف نموده بودند، اما این بخش از اعترافات و مصاحبه‌ها به دلایل امنیتی و سیاسی حذف شد و به اطلاع عموم نرسید (ری‌شهری، ۱۳۷۷، صص ۱۶۹). پس از این واقعه آیت‌الله شریعتمداری در تلویزیون از پیشگاه مردم عذرخواهی کرد. ایشان سرانجام در فروردین ۱۳۶۵ درگذشت. (جهت آشنایی بیشتر ر.ک: شریعتمداری در دادگاه تاریخ، حمید روحانی، نشر دفتر اسناد انقلاب اسلامی قم، ۱۳۶۲؛ جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، خاطره‌ها، محمد محمدی ری‌شهری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳).

همچنین می‌توان به چرخش شیخ محمود امجد اشاره کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ، ۱۳۷۵/۳/۲۰.
۲. _____، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۹/۲۶.
۳. _____، بیانات در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۹۷/۹/۲۱.
۴. _____، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۵/۲۵.
۵. _____، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲.
۶. _____، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم، ۱۳۹۷/۹/۲۱.
۷. _____، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۲.
۸. _____، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۲.
۹. _____، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه و مسئولین دفاتر نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۷۱/۶/۲۶.
۱۰. _____، بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.
۱۱. _____، بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۴/۴/۷.
۱۲. _____، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۷/۳/۱۴.
۱۳. _____، بیانات معظم له در جمع بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۲.
۱۴. موسوی خمینی، (امام) روح‌الله، صحیفه امام ﷺ، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، ۱۳۷۸.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷.



